

[منافات روایت سکونی با مقتضای قاعده در عدم قصاص صبی 1](#_Toc503973595)

[بیان اول در حمل روایت سکونی: اماریت «خمسة اشبار» بر بلوغ 2](#_Toc503973596)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/صورت سوم/قصاص صبی خمسة اشبار /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بیان موارد و صور مرتبه چهارم از تسبیب به فرض اکراه صبی رسید که به مناسبت مباحصی پیرامون قصاص صبی با وجود شرایطی بیان شد.

###### منافات روایت سکونی با مقتضای قاعده در عدم قصاص صبی

بحث در مشکلی بود که در مقام به واسطه روایت سکونی که دال بر قابلیت قصاص نسبت به صبی «خمسة اشبار» بود، در حالی که با وجود تمامیت سند این روایت، هیچ تعارض مستقر و مُحَکَّمی با هیچ یک از ادله ندارد؛ نه با با عمومات ادله تکالیف و نه با اطلاق «عمد الصبی خطأ»؛ چرا که روایت سکونی اخص از این اطلاق است و نه با اطلاقات تحدید بلوغ به 13سال یا 15 سال که مراد از آن، ترتب جمیع تکالیف بر این سن و سال است، ولی روایت سکونی تنها مورد قصاص را استثنا کرده است.

بنابراین، از ناحیه معارضه راهی برای منع از روایت سکونی نیست و همانطور که گذشت بین این روایت و سایر ادله امکان جمع عرفی وجود دارد و تحقق تعارض در مقام متوقف بر الغای خصوصیت از قصاص در این روایت و تعمیم حکم موجود در آن بر سایر تکالیف است.

اما رمی روایت به شذوذ و اعراض اصحاب هم با وجود نقل و عمل جمعی از اصحاب و بزرگان، مثل مشایخ ثلاث منتفی است، لذا می بایست برای ردع و منع از این روایت، وجوه دیگری را اقامه نمود که در مقام به نظر می رسد که دو بیان برای حل این مشکل قابل تمسک است.

بیان اول در حمل روایت سکونی: اماریت «خمسة اشبار» بر بلوغ

مفاد روایت سکونی دال بر این است که اگر قامت آن صبی که مبادرت به قتل غیر کرده است، به پنج وجب رسیده باشد، قصاص می شود، و با توجه به این که هر وجب متعارفی حدود بیست تا بیست و پنج سانتی متر می باشد، پنج وجب چیزی در حدود صد و بیست سانتی متر تخمین زده می شود. و از آن جا که این مقدار، چیزی نزدیک به قامت صبی مراهق است، می توان وضع این حد و حدود در روایت سکونی را، عنوانی مشیر به امری متعین دانست بدون این که برای شبر و وجب خصوصیت و موضوعیتی در کار باشد؛ کما این که در مورد مقدار آب کر که سه وجب و نیم در طول و عرض و عمق در آن لحاظ شده است، این مختصات موضوعیت ندارد، بلکه مشیر به مقداری معین است که این مقدار معین آب، کُر محسوب می شود، بله، در برخی موارد ممکن است عنوان موجود، موضوعیت داشته باشد، اما در اوزان و مقادیر این گونه نیست و در حقیقت این مقادیر مطرح شده در آن ها، مشیر به مقداری متعین و مشخص است.

شاهد حمل روایت بر این معنا هم این است که در این موارد، حداقل میران متعارف را در نظر می گیرند و مثلا در بحث آب کر، کوچکترین وجب و شبر متعارف را به عنوان ملاک سنجش قرار می دهند، در حالی که اگر این مقادیر موضوعیت داشت، لحاظ حداقل متعارف قابل قبول نبود.

در مقام هم، لابد و قهرا می بایست مقدار و میزان ملحوظ در روایت سکونی را، به عنوان امری مشیر به متعین در نظر گرفت؛ و با توجه به این که وجب هایی اشخاص اختلاف دارد؛ و ممکن است بر اساس وجب یک انسان ، قامت این صبی از چهار وجب تجاوز نکند در حالی که بر اساس وجب شخص دیگری، قامت صبی به پنج وجب هم برسد؛ لذا ملاک را حداقل وجب متعارف دانسته اند.

در حقیقت ممکن است این روایت، ناظر به مواردی باشد که صبی مرتکب جنایتی شده است، ولی به این جهت که بلوغش مشکوک است؛ ترتب قصاص هم بر او مشکوک شده است، حال آن که به واسطه این روایت، ملاکی برای حکم به بلوغ این صبی در حیطه اجرای قصاص بیان شده است که در واقع اماره و طریقی بر تحقق بلوغی است که خودش حدود مشخص خود را دارد. و این شک و شبهه ای که به عنوان محمل روایت بیان شد، نسبت به زمان صدور روایت و نبود مدارک شناسایی در آن زمان، امر بعیدی هم نیست، و گویا این روایت به عنوان اماره ای بر بلوغ در موارد شک در بلوغ مطرح شده است تا در این موارد رفع تحیر شود.

بنابراین، مراد از «خمسة اشبار» صبی مراهق است؛ یعنی، صبی مشرف به بلوغ و در معرض آن به این معنا که محتمل است بالغ شده باشد، کما این که مرحوم ابن حمزه ره هم در کتاب وسیلة، مراهق را در حکم بالغ دانسته است[[1]](#footnote-1) و این خود می تواند شاهدی بر این حمل باشد؛ چرا که هیچ روایتی در مورد مراهق وجود ندارد و شاید فهم و استظهار ایشان از همین روایت سکونی، صبی مراهق بوده است.

مرحوم آقای خویی قدس سره با وجود این که متعرض این بحث نشده است اما در بحث شرایط قصاص و در موارد تحدید بلوغ این روایت را مطرح نموده است و در ضمن طرح این روایت قریب به همین مضمونی که بیان شد را در مورد «خمسة اشبار» قائل شده است؛ «أقول: لا بدّ من حمل الرواية على معرفيّة وصوله سنّ البلوغ و هو خمس عشرة سنة، و لا يبعد أن يكون هذا هو الغالب».[[2]](#footnote-2)

تفاوت فرمایش مرحوم آقای خویی ره در بحث شرایط قصاص، با بیان مختار در مورد روایت در این است که نسبت به سن دوازده یا سیزده سال در فرضی که بر اساس احتمالِ احتلام، بلوغ مشکوک باشد، و با توجه به این که اختبار نسبت به احتلام ممکن نیست، این مقدار به عنوان رافع شک مطرح شده است، و اماریت خمسة اشبار برای بلوغ منحصر در پانزده سالگی نیست، در حالی که فرمایش مرحوم آقای خویی ره اماریت نسبت به سن پانزده سال است که ممکن است نسبت به آن استیحاش و اشکال وارد شود؛ چرا که معمولا قد افراد پانزده ساله از «خمسة اشبار» بیشتر است.

البته اماریت برای بلوغ، بر اساس این روایت، نسبت به صرف قصاص است، نه سایر حدود و تکالیف؛ چرا که گویا شارع در خصوص قصاص از باب حفظ جان انسان ها، چنین اماریتی را وضع نموده است.

1. . وسیله الی نیل فضیله، ص438، البته تعبیر ایشان این گونه است که «المراهق فی حکم العاقل»، ولی به نظر می رسد که مراد از این [↑](#footnote-ref-1)
2. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص94.](http://lib.eshia.ir/71334/42/94/) [↑](#footnote-ref-2)